

جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد
محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

«بیانات پیرامون شخصیت شهید سید حسن نصرالله»

جلسه ۳۸۹ شرح دعای صحیفہ سجادیه

۱۴۰۳/۰۷/۰۹

- بار یافتن به مقام شامخ رضا
- ۱. معنای مفعولی؛ درخواست رضای الهی
- ۲. معنای فاعلی؛ رضایت در برابر تقدیر الهی
- نائل شدن به مقام نفس مطمئنه
- امام حسین (علیه السلام)، مصداق تامّ نفس مطمئنه
- جهاد؛ راه نزدیک و سریع برای رسیدن به مقام رضا
- سید حسن نصرالله؛ معجزه تربیت اسلام ناب
- آغاز نصرالله
- جامعیت فوق العاده‌ی شخصیت سید حسن نصرالله
- لبنان، پیچیده‌ترین کشور از نظر سیاسی
- جایگاه ساحت تربیت، در نگاه سید حسن نصرالله
- سازماندهی مستحکم تشکیلات حزب الله
- سید حسن نصرالله ذوب در ولایت بود
- مراقب تحلیل‌های علیل و بیمار باشید
- مکتب سید حسن ادامه دارد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَرَدِّهِ

ما در بحث صحیفه مبارکه صحیفه سجادیه در دعای شریف مکارم الاخلاق، قطعه‌ای را می‌خواندیم که در این قطعه درخواست‌های بسیار عالی و البته پر از محبت و در قالب صمیمانه و بسیار لطیف در پیشگاه خدای متعال برای رسیدن به یک زندگی توحیدی ناب مطرح می‌شود. در این بخش برای شما خواندیم، آن جا که فرمود: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَادْرَأْ عَنِّي بَلْطَفِكَ، وَاغْذِنِي بِنِعْمَتِكَ، وَأَصْلِحْ لِي بِكَرَمِكَ، وَدَاوِنِي بِصُنْعِكَ، وَأَظْلِنِي فِي ذُرَاكِ، وَجَلِّئِنِي رِضَاكَ» تعبیرها خیلی تعبیرهای عالی است. رسیدیم به همین جمله «وَجَلِّئِنِي رِضَاكَ»، قرار شد این جلسه این جمله نورانی را یک مقداری برای عزیزان طبق قاعده‌ی درس‌های هفتگی

جمعاً به محضر مولایمان حضرت بقیه‌الله الاعظم (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف و علیه الصلاة والسلام) عرض سلام و ارادت و عرض تسلیت داریم و امیدواریم ان شاءالله از نظر عنایت و لطف آن حضرت همه ما به ویژه امت اسلامی، امام امت، عزیز رهبرمان بهره‌مند باشند و خدای متعال از خزانه لطف و کرمش مصیبت از دست دادن یکی از بزرگترین عناصر سازمان‌بخش جبهه مقاومت اسلامی یعنی جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای سید حسن نصرالله را از عنایت و لطف خاص خودش جبران کند. ان شاءالله شهادت این مرد بزرگ را برای امت اسلامی و برای تحقق آرمان‌های بزرگ اسلامی ذخیره کند.

وجودم در پوشش رضای تو باشد. این درخواستی است که این جا در این فهرست بدیع و حقیقتاً دل‌انگیزی که برای شما خواندم مطرح می‌شود.

۱. معنای مفعولی؛ درخواست

رضای الهی

«وَ جَلِّلْنِي رِضَاكَ» این جا شما درخواست رضای الهی را می‌کنید. می‌تواند حداقل دو معنا داشته باشد. معنای اول به اصطلاح معنای مفعولی است. «وَ جَلِّلْنِي رِضَاكَ» یعنی خطاب به خدای متعال می‌گوییم من را به گونه‌ای قرار بده که من را پسندی. من به شکلی باشم، به گونه‌ای باشم که مورد پسند تو و رضای تو قرار بگیرم. این می‌شود معنای اول. وقتی توحید خالص و ناب

توضیح بدهیم. نمی‌دانستیم با شهادت این سید عالی‌قدر و بزرگ تناسب پیدا خواهد کرد و می‌رود در توصیف یکی از جلوه‌هایی که خدای متعال این دعای امام سجاد (علیه‌الصلوة‌والسلام) را در باره او مستجاب کرد.

بار یافتن به مقام شامخ رضا

تعبیر «وَ جَلِّلْنِي رِضَاكَ» یعنی شما از خدای متعال درخواست می‌کنید که من سر تا قدمم در پوشش رضای تو قرار بگیرد. این درخواست خیلی بزرگ است، یعنی بار یافتن به مقام شامخ رضا. کلمه «جَلِّلْنِي» یعنی لباس سرتاسری که هیچ چیزی جا نمی‌گذارد. یک وقتی یک پوششی است که از سر تا قدم همه را دربر می‌گیرد، از این تعبیر استفاده می‌شود. می‌گوید من سرتاپای

غیرت می‌پسندی غیور باشم،
 با شجاعت می‌پسندی شجاع
 باشم، با عفت می‌پسندی
 عقیف باشم. این قواره
 شخصیتی من مورد رضایت
 تو و پسند تو باشد که همانی
 است که ما از آن تعبیر می‌کنیم
 به محیط اخلاق باطنی و
 درونی. این هم پس یک معنا.
 معنای دیگر مربوط می‌شود
 به منطقه اعمال. اعمال من
 هم به گونه‌ای باشد که تو
 می‌پسندی و مورد رضای تو
 باشد. من در عمل به گونه‌ای
 عمل کنم که تو می‌پسندی.
 اعمال عمدتاً مربوط به بخش
 آشکار شخصیت ما است و
 جوارح و اعضای ما در آن
 مداخله دارد. یکی از جلوه‌های
 بدیع آن سخن است، سخن
 گفتن من به گونه‌ای باشد که
 تو پسندی. همین یک کلمه
 را روی آن کار کنید. سخن من

بشوند مورد رضای الهی قرار
 می‌گیرند. نیت من مورد
 رضای تو باشد، نیت وقتی
 مورد رضای الهی است که به
 بهترین اعمال و حالات تعلق
 بگیرد، یعنی شما نیت کنید
 بهترین کارها را، افضل اعمال
 را، و دوم؛ خالص باشد، فقط
 برای خدای متعال باشد. این
 می‌شود آن نیتی که خدای
 متعال می‌پسندد. در آن هیچ
 شائبه‌ای نباشد. کسی، چیزی
 در آن حضور ندارد، خالص
 برای خدای متعال باشد. این
 می‌شود درخواست رضا در
 مقام نیت، یعنی نیت من
 مورد پسند تو باشد. دیگر
 چی؟ ساختار شخصیتی من به
 گونه‌ای باشد که تو پسندی،
 یعنی اگر تو شخصیتی را با
 حلم و بردباری می‌پسندی
 من بردبار باشم، با صبر
 می‌پسندی صبور باشم، با

که بخش عمده‌ای از شخصیت آشکار من و اعمال من هست به گونه‌ای باشد که مورد پسند تو باشد. نگاه من مورد پسند تو باشد، قدم من مورد پسند تو باشد. هر نوع اقدامی من دارم مشمول رضای تو باشد، تو پسندی. اعمال من مورد پسند تو باشد. رفتار من با خانواده مورد پسند تو، رفتار من با دوستانم مورد پسند تو، معاشرت من با دیگران مورد پسند تو، آن وقتی که آکنده است از محبت، آکنده است از احسان، آکنده است از خدمتگزاری، آکنده است از تواضع، این‌ها به گونه‌ای باشد که مورد پسند خدای متعال قرار بگیرد؛ یعنی اعمال من با قواعد شریعت هماهنگ باشد، با خواسته تو، نماز من آن گونه باشد که تو می‌پسندی، روزه من آن گونه باشد که

تو می‌پسندی، فعالیت‌های اجتماعی من، فعالیت‌های علمی من مورد پسند تو باشد. این خودش می‌شود یک درخواست. پس کلمه «وَجَلِّلْنِي رِضَاكَ» یک معنایش این شد که من به گونه‌ای باشم که تو می‌پسندی، مرضی تو باشم. حالا ما از عمیق‌ترین بخش شروع کردیم؛ اندیشه، فکر. بیایید تا نیت، تا اخلاق درونی، تا اعمال ظاهری. کل آن مورد پسند تو باشد. این جا یک جمله را فقط در حد اشاره به خاطر بسپارید و آن این که یکی از نکته‌هایی که شخصیت انسان مؤمن را در محیط رضای الهی قرار می‌دهد و در منطقه رضا به او اوج می‌دهد کلیدواژه جهاد است و در موضوع جهاد هم مجاهدت به معنای خاص یعنی سینه به سینه با دشمنان

آن گونه که تو می‌پسندی.

۲. معنای فاعلی؛ رضایت در برابر تقدیر الهی

اما معنای دومی هم دارد، معنای دوم معنای فاعلی است. معنای فاعلی یعنی چی؟ یعنی من را به گونه‌ای قرار بده که من از تو راضی باشم. این دیگر خودش یک عالم دیگری است. «وَجَلَلَنِي رِضَاكَ» یعنی تمام وجود من، سرتا قدم من، ظاهر و باطن من در مقام رضای تو باشد، یعنی از تو راضی باشد. در برابر مقدرات تو، در برابر خواسته تو، در برابر فرمان تو. هر چه تو فرمان بدهی من احساسم احساس رضایت و خشنودی باشد. در آن نه تنها تردید ندارم، گله هم نداشته باشم. امر هر چه که تو امر کنی. تمام قواعدی

خدا، و در این بین وقتی تو با دشمن‌ترین دشمنان خدا در یک نبرد جدی و سرنوشت‌ساز قرار می‌گیری یعنی وارد شدی در منطقه اصلی رضای الهی با فرض این که فی سبیل الله است، اخلاص هم در آن هست، پشتوانه ایمانی هم در آن هست. «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفَا كَأَنَّهُمْ بُيُوتٌ مَرْمُوسَةٌ»^۱ که دیگر از آیات درخشان قرآن کریم در این زمینه است. این هم یک نکته در باب اعمال، افضل آن می‌شود جهاد. جهاد فی سبیل الله، آن هم جهاد به معنای خاص که قرار گرفتن در موضع نبرد با دشمنان حضرت حق تبارک و تعالی است. پس این می‌شود معنای نخست «وَجَلَلَنِي رِضَاكَ» یعنی من این گونه باشم،

را که تو وضع کردی، هر احکامی که تو حکم کردی، بر قلم تقدیر تو رفته، همه مورد رضای من باشد. یعنی کاملاً خشنود در برابر آنچه که تو تقدیر کردی. می‌دانید همه احکام الهی مقدرات حق هستند در قالب تشریح، احکام الهی هستند، وقتی تو به قلب خودت مراجعه کردی دیدی یک سرسوزن نارضایتی نسبت به این حکم الهی نداری، ولو به حسب ظاهر آن حکم برای تو هزینه تولید کند. تو می‌بینی نه، من راضی هستم. این خیلی مهم است.

یک فصل دیگر در باب رضا، رضایت از مقدرات تکوینی الهی است. این خودش می‌شود یک سرفصل بزرگ. چون محیط زیست ما در این عالم، براساس حکمت الهی و تقدیر الهی محیط ابتلاء است.

یعنی دائماً فراز و نشیب و این‌ها هست. اگر یک روز خوش است، یک روز ناخوش است، اگر یک روز سالم است یک روز مریض است، اگر یک روز موفق است یک روز شکست خورده است. دنیا این‌گونه است. اصلاً خدای متعال این محیط را دارالابتلاء قرار داده است. اگر یک روز در یک خانواده‌ای فرزندی متولد می‌شود، یک روز فرزندی یا پدری یا عزیزی در آن خانه از بین می‌رود، به حسب ظاهر از دنیا می‌رود. یک روز خوشحال هستند، جشن تولد می‌گیرند، یک روز به سوگ نشستند مصیبت‌زده هستند. دنیا این‌طور است و این ابتلاء هست. وقتی انسان‌های خبیث و پلید در محیط زیست انسان‌ها انواع و اقسام مداخله‌ها را می‌کنند این ابتلائات گسترش پیدا

به محضر خدای متعال چه می‌گویید؟ می‌گویید «مُطْمَئِنَّةٌ بِقَدْرِكَ رَاضِيَةٌ بِقَضَائِكَ».

جمع این معنا در قرآن کریم در سوره مبارکه فجر آمده است «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنِّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً * فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَادْخُلِي جَنَّاتٍ»^۲ این جمع الجمعش این آیه است.

یعنی انسان مؤمن از رهگذر ایمان، تحت ولایت الهی و تربیت الهی که توسط اولیاء انجام می‌شود، می‌رسد به آن جایی که اسمش هست «نفس مطمئنه» که دیگر در وجود او

هیچ اضطرابی، هیچ اختلالی، هیچ تردیدی، هیچ شکی، هیچ ترسی، هیچ شائبه‌ای، هیچ ناخالصی وجود ندارد.

این می‌شود نفس مطمئنه که البته خودش درجات دارد.

آیات ۲۷ الی ۳۰ سوره مبارکه

۲
فجر

می‌کند و شخص باید در برابر آن‌ها قرار بگیرد، تلخی‌ها را تحمل کند، همان باب جهادی که به آن اشاره کردیم.

معنای دوم «جللنی رضاک» این است که من را به گونه‌ای قرار بده که من در برابر تو به مقام رضا برسم، یعنی از تو راضی باشم. آن اولی این بود که تو از من راضی باشی، معنای دوم این است که من از تو راضی باشم. از مقدرات تو، از فرامین تو، از خواست تو، از قضا و قدر تو. این هم معنای دوم.

نائل شدن به مقام نفس مطمئنه

در دعای امین‌الله که البته کسوت آن کسوت زیارت است و چه متن فوق‌العاده، برجسته، رسین و استواری است، آن جا

فرمود: سوره فجر را زیاد بخوانید، هم در نماز نافله‌تان، هم در نماز فریضه‌تان. که البته مانده در نافله می‌خوانیم نه در فریضه. فرمود این سوره فجر را در نافله و در فریضه‌تان بخوانید. «فَإِنَّهَا سُورَةُ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَام» گفت این سوره، سوره‌ی حسین (علیه‌السلام) است. مصداق تامّ نفس مطمئنّه در مقام تجلّی و درخشش، حسین (علیه‌السلام) است که «ارْجَعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً»، این مقام اباعبدالله (علیه‌السلام) است. آن وقت به حسب سهمی که مؤمنین از زیست حسینی و از روش حسینی دارند، در دامنه این قله رفیع قرار می‌گیرند. یعنی در نیت‌شان، در افکارشان، در اخلاق‌شان، در اعمال‌شان چقدر سهم بردند، به همان اندازه در زیست حسینی بهره‌مند هستند، از آن

اگر به آن جا رسید این دو ویژگی در آن جلوه می‌کند؛ «راضیه مرضیه». این می‌رسد به آن جایی که نسبت به خدای متعال راضی است و خدای متعال هم از او راضی است؛ مرضیه. این یک تعبیر دیگری هم در قرآن دارد؛ «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ»^۳ این هم همان تعبیر است. یعنی هم خدا از این‌ها راضی است، هم این‌ها از خدای متعال راضی هستند. آنچه که در این آیه کریمه ترسیم شده خیلی عالم عجیبی است، خیلی فوق‌العاده است.

امام حسین (علیه‌السلام)، مصداق تامّ نفس مطمئنّه

برای این که اهل‌بیت (علیهم‌السلام) خیال ما را راحت کنند، امام صادق (علیه‌الصلوة‌والسلام)

آیه ۸ سوره مبارکه بینه ۳

انسان برسد به مقام رضا، به هر دو معنا، یعنی همان «راضیه مرضیه»، برای این که به این نقطه برسد، راه میانبر نزدیک، جهاد است. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) فرمود «الْجِهَادُ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ»؛ این دری است که برای خاصان باز می‌شود. «فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ» آن دوستان برگزیده خدای متعال، این‌ها موفق به جهاد می‌شوند و از باب الجهاد به ساحت قدس ربوبی وارد می‌شوند. وقتی در آن سوره نام اباعبدالله (علیه‌السلام) برده می‌شود و به عنوان مصداق مطرح می‌شود، مسئله جهاد است. آن جایزه و آن پاداش ویژه مجاهد فی سبیل الله چیست؟ شهادت است. این شهادت است که «لَيْسَ فَوْقَهُ

طرف هم چقدر رسیدند به این مرحله که از مقدرات الهی و خواسته‌های الهی احساس‌شان احساس خشنودی و رضایت باشد. ولو به حسب ظاهر برای طبع آن‌ها هم همراه با ناراحتی و رنج و آمیخته با درد و امثال این‌ها باشد، برای‌شان فرقی نمی‌کند.

جهاد؛ راه نزدیک و سریع برای رسیدن به مقام رضا

بنابراین وقتی که این آیه در قرآن کریم می‌رود در ساحت اباعبدالله (علیه‌السلام) به دلالت ولی‌الله الکامل امام صادق (علیه‌السلام) که فرمودند این مصداقش حسین (علیه‌السلام) است، شما به آن نکته‌ای که من اشاره کردم به روشنی می‌رسید، یعنی راه نزدیک و میانبر و سریع برای این که

شهادت شده است؟ برادرها و خواهرهای عزیز، من به شما عرض کنم خیلی مانده تا این شخصیت بزرگ شناخته بشود. حالا حالاها خیلی کار دارد تا سید حسن نصرالله شناخته بشود. آقا فرمودند برای دنیای اسلام شخصیت با عظمت است. برای شیعه که چه عرض کنم. فخر الشیعه، این کسی که به شهادت رسیده یک شهادت عادی نیست. فرمودند برای حزب الله یک رهبر کم نظیر، برای جبهه مقاومت یک پرچم دار برجسته، شخصیت این است. حالا واقعاً کار دارد و حق است که کارهای بزرگ در این زمینه انجام بشود. چون ما گرفتار حجاب معاصرت هستیم. چون همزمان ما است، هم عصر ما است. شما در یک کلمه می توانید بگویید سید حسن

بر^ه یعنی اگر مؤمن در این مسیر برود به هر جا برسد جای بالاتر از آن هم می تواند برسد تا می رسد به مرحله شهادت. به شهادت که رسید لیس فوکه بر. این قاعده است.

سید حسن نصرالله؛ معجزه تربیت اسلام ناب

من و شما این روزها خبر شهادت کسی را دریافت کردیم و واقعاً به معنای کلمه دلها شکست. آنچه که اتفاق افتاده عادی نیست. این قربانی در راه خدای متعال از مصادیق ذبح عظیم است. این یک قربانی معمولی نیست. برای این که شما این مطلب را خوب تلقی کنید کافی است فقط متن پیام امامان را با دقت بخوانید، باز بخوانید، دوباره ببینید، تعبیرها را ببینید، چه کسی

وقتی او را می‌دیدند، دل‌ها به اسلام، آن هم به اسلام ناب، به حقیقت ولایت نزدیک می‌شد.

آغاز نصرالله

دنیای معاصر شاهد شهادت یک چهره تابناک و درخشان در این بخش بود، اگرچه به حسب ظاهر از دست می‌رود ولی شهید تازه به دست می‌آید. این تعبیری که نوشتند «آغاز نصرالله»، خیلی تعبیر دقیقی است، کاملاً تعبیر قرآنی، مستظهر به آیات الهی است. همین است، آغاز است. تازه بعد از این خواهید دید، چنان که سایر شهدای بزرگ ما این گونه بودند. حاج قاسم عزیز را دیدید، قبل از شهادت، بعد از شهادت، می‌بینید چه می‌کند حاج قاسم. حالا خواهید

نصرالله معجزه تربیت اسلام ناب، معجزه تربیت مکتب اباعبدالله (علیه‌السلام) است. سید حسن نصرالله واقعاً در محیط ظلمانی روزگار ما درخشید.

اگر ولایت الهی حضرت شمس است، سیدحسن نصرالله حضرت ماه بود، آن هم ماه منیر بود. قمر العشیره بود، آقای سیدحسن نصرالله این گونه بود. خوب توانست نور ولایت الهی را منعکس کند. دنیای معاصر در جمال نصرالله، در طلعت نصرالله دیدند، جمال ولایت الهی را تماشا کردند و خیلی‌ها با دیدن او مسلمان شدند، حجت بود. این است حجت‌الاسلام، بقیه اسمش را دارند، او حقیقتش را داشت. حجت‌الاسلام یعنی کسی که او را بینی ایمان بیاوری، بگویی این است و سیدحسن (رضوان‌الله‌علیه) این چنین بود. یعنی

هستید، ایشان واقعاً جامعیتِ فوق‌العاده‌ای دارد. در یک سیر سریع، شما به این شخصیت بزرگ نگاه می‌کنید می‌بینید ایشان دارد پله‌های کمال ایمان را با چه سرعتی طی می‌کند، در مراتب اخلاص مثال‌زدنی، در مراتب ایمان مثال‌زدنی، در شجاعت مثال‌زدنی، در معنویت به همان معنای خاص کلمه مثال‌زدنی، در عقلانیت مثال‌زدنی. اصلاً مثل این که شما سید حسن نصرالله را می‌دیدید عقل را تماشا می‌کردید، در وجود نازینش عقل متجسد شده بود. عقول، که بسیاری از اضلاع دیگر شخصیت ایشان مبتنی بر همین کمال عقلانی او بود. آینده‌نگری، عمق‌نگری، جامع‌نگری، تدبیر، ماشاءالله. العظمه‌الله. حالا این‌ها بعدها باید ده‌ها بلکه صدها جلد

دید سید حسن نصرالله، سید مقاومت با دل‌های مردم عالم، با دل‌های مؤمنین چه خواهد کرد. آن الهام‌بخشی برای جبهه مقاومت را حتماً قوی‌تر از قبل خواهید دید، این خصوصیت شهادت است. وقتی به آن مرتبه شهادت رسید، الهام‌بخشی آن، اثرگذاری آن، وحدت‌آفرینی آن، سرعت دهنده بودن، سبقت‌بخش بودن، این در آن به صورت عجیبی افزایش پیدا می‌کند که حالا این را ماها تجربه‌اش را همیشه داشتیم از این به بعد بیشتر خواهیم داشت.

جامعیتِ فوق‌العاده‌ی شخصیت سیدحسن نصرالله

خدای متعال به سیدحسن خیلی تفضل کرد. شما با یک شخصیت جامع روبرو

اسلام است. یک وقتی محاسبه کردند گفتند در سطح بین‌الملل اگر در مراتب محبوبیت بخواهیم محاسبه کنیم، سید حسن نصرالله جزو اولین‌ها بود؛ اگر نگوییم اولین. این قدر مهربان، این قدر متواضع، این قدر خاکسار، به قدری صمیمی. بنده چند دیداری که با ایشان داشتم، آن تمام آن دیدارها برای من خاطره است. همین حال خوش شیرین و صمیمیت و صفا و یک‌رنگی، یک حالت تواضع، انگار نه انگار که ایشان یکی از قله‌های مرتفع مقاومت در دنیای اسلام است. در مورد حُسن خلق، بخواهید می‌توانید به او مثال بزنید. جامعیت در سید فوق‌العاده است، یعنی ایشان توانسته بین این رحمت و رأفت و خاکساری و بین آن عزت و شجاعت و صلابت و صخره‌سان بودن،

کتاب نوشته بشود تا معلوم بشود من دارم چه می‌گویم. آنچه اکنون دیده می‌شود یک گوشه‌ای است از آن حقیقتی می‌باشد که بوده است. خدای متعال در سیدحسن جمال صورت و سیرت را جمع کرده بود. ایشان یک چهره‌ی دلنشین و دوست‌داشتنی داشت. انسان یاد آن جمله اباعبدالله (علیه‌السلام) می‌افتد که در باره حضرت علی‌اکبر (علیه‌السلام) فرمود «اشبه الناس خلقاً و خلقاً و منطقاً». خدای متعال هم در چهره‌ی این سید عالی‌قدر آن ملاحظت را به او داده است. شماها توفیق هم‌نشینی و دیدار نزدیک ایشان را چه بسا نداشتید، ولی هرکسی با سید یک بار نشست باشد مجذوب حُسن خلق اوست؛ تواضع، محبت، گرم، انگار نه انگار این شخصیت تراز جهان

این دو را با هم جمع کند. در اوج محبت و خاکساری و فروتنی، در برابر یک بچه یک شخص عادی، یک نوجوان مدرسه المهدی (علیه‌السلام) در آن سلسله حزب‌الله، انگار نه انگار این همان کسی است که اسمش کمر صهیونیست را می‌لرزاند و خم می‌کند. سید برای دشمنان خدا سه دهه است که کابوس است. این شجاعت که می‌گوییم این است. و بعد خدای متعال به او توفیق بیان داده بود. الله اکبر از آن منطبق، از آن بیان، ماشاءالله. مخصوصاً حالا آن بیان عادی بماند، می‌توانستید آن عقلانیت را در کلامش ببینید، زیبایی را، ادب را، حکمت را، می‌توانستید این‌ها را ببینید. اما وقتی که می‌خواست در برابر دشمنان خدا طوفان کند، این کلمات که برخاسته از یقین و باور

و از آن عمق ایمان این مرد خدایی بود، این کلمات وقتی حماسه‌گون و علی‌وار از این زبان مطهر و پاک وقتی جاری می‌شد، چه می‌کرد در دل‌ها، دل‌های مؤمنین را چگونه استوار می‌کرد و بر دشمن چه ضربه‌هایی وارد می‌کرد. هر بار ایشان صحبت می‌کرد تا مدت‌ها اثرش در دشمنان دیده می‌شد. مثل تازیانه‌هایی بود که بر سر دشمن خییث زده می‌شد. این شخصیت جامع؛ صورت و سیرت و بیان و حکمت و اخلاص و شجاعت و عقلانیت و معنویت و تدبیر و... همه این‌ها در وجود سیدحسن نصرالله دست به دست هم داده شده است. قطعاً سید حسن نصرالله از حسنات دهر و عطیه الهی است. یعنی واقعاً برای زمان ما عطای خداوند بود. حاصل

پیروزی حزب‌الله در همین ضایحه شرکت کردیم، سال دوم یا سال سوم بود که این‌ها پیروزی‌شان را در بیرون کردن و تحقیر و شکستن سطوت رژیم صهیونیستی بعد از سال‌ها جشن می‌گرفتند که به تعبیر حضرت آقا لبنان زیر چکمه رژیم صهیونیستی بود که حزب‌الله وارد میدان شدند و این خبیث‌ها را از لبنان بیرون ریختند. در سال دو هزار و آن پیروزی بزرگ، ما در جشن پیروزی حزب‌الله با چند نفر نماینده از ایران رفتیم. قبل از این که ما در آن اجلاس در لبنان شرکت کنیم، براساس مأموریتی که داشتیم، با عمده احزاب و سران احزاب جلسه داشتیم و با آن‌ها نشستیم. بخشی از جلسات مان در سوریه بود، بخشی هم در خود لبنان بود. آن جا من از نزدیک متوجه

مکتب اسلام ناب یک چنین کسی می‌شود، که می‌شود به او تأسی کنی، می‌شود به او افتخار کنی، می‌شود به او تکیه کنید، می‌شود با او راه را پیدا کنید. می‌شود مسیر زندگی‌ات را با او شناسایی کنی، می‌توانی با او به آرمان‌های بزرگ فکر کنید. می‌توانید با او به همت‌های بلند برسید. ماشاءالله از این همت.

لبنان، پیچیده‌ترین کشور از نظر سیاسی

لبنان پیچیده‌ترین کشور از نظر سیاسی در عالم است. بنده تا از نزدیک نرفته بودم و از نزدیک با این احزاب گوناگون و متنوع و سران‌شان نشستیم و فقط از دور مطالعه داشتیم، باورم نمی‌شد. ولی آن سال که ما در جشن

شدم که شگفتا! لبنان یعنی کجا! صد ملت و صد مذهب و صد آیین و صد حزب و هر کسی برای خودش مرامی و مکتبی و منهجی و حرفی و ادعایی داشت. بنیان‌هایی را امام موسی صدر بزرگ و شهید چمران عزیز و بعد شیخ راغب حرب بزرگ، شیخ مقاومت و بعد سید عباس موسوی آن رجل الهی و مرد بزرگ و مجاهد کبیر، این‌ها بنیان‌گذاری کرده بودند. وسط آن معادلات پیچیده و در کمال ناباوری، یک سید جوان سی و چند ساله در این منطقه پیچیده، پرچم را برداشت. زمانی رسید که وقتی ما رفتیم به این دیدارها همه را دیدیم، دلیلی هم داشت، برای خودش کاری بود، با همه این‌ها نشستیم. از جمله آن زمان با ارشد حماس، با ارشد جهاد،

یکی یکی با همه این‌ها نشستیم. تا مسئولین رسمی تا احزاب و تا سران طوائف و بزرگان ادیان که آن‌جا خیلی متنوع هستند. وقتی با این‌ها نشستیم دیدیم همه این‌ها، نسبت به سید ما خاضع هستند، خیلی اتفاق بزرگی بود. همین دیشب وقتی آقای [انیبه بری] داشت آن جملاتی را که نوشته بود می‌خواند، همین‌جور یاد آن روزها بودم که سال‌ها از آن گذشته و هر روز بر عزت و شکوه و عظمت حزب‌الله افزوده شده است. بعضی از همین گروه‌ها در اوایل حضور سید حسن در میدان سیاسی لبنان و ادامه کار حزب‌الله، حتی دستور قتل او را داده بودند. چون نمی‌توانستند او را ببینند. چه کرد این مرد. خوب توانست بین سماحت امام موسی صدر

جایگاه ساحت تربیت، در نگاه سیدحسن نصرالله

آن وقت که من از نزدیک این وضعیت مخیمات و این شرایط را دیدم، این در حالی بود که داشت سازماندهی حزب‌الله شکل می‌گرفت. دیدم سید حسن عزیز و بزرگ ما سازمان تربیتی حزب‌الله را به شکل فوق‌العاده‌ای دارد می‌چیند. حاصلش این است؛ بعد از بیست و چند سال از آن رؤیت ما، امروز حزب‌الله لبنان تبدیل شده است به یک مرکز انباشته از نیروهای تربیت شده و برجسته و تمام نشدنی، تبدیل شد به یک چشمه فیاض، چون ساحت تربیت در نگاه عمیق این سید عالی‌قدر و حکیم وجود داشت، این چرخه تربیت را آن جا فعال کرد. مدارس المهدی (علیه‌السلام) دیدنی هستند. سازمان

و صلابت سید عباس را جمع کند. این‌ها را خوب در کنار هم جمع کرد و حاصلش شد این مقبولیت، این جایگاه و این محبوبیت و البته این حاصل تدبیر فوق‌العاده‌ای بود که ایشان در میدان داشت. من آن روزها که باز در یک نوبت دیگر به عنایت خود سید رفتم برای دیدار مخیمات، یعنی همین اردوگاه‌های حزب‌الله و دیدن جوان‌ها و سرشاخه‌های تربیتی‌شان که باز یک کاری بود برای خودش، مفصل بود. حالا حسرتی اخیراً بر دل من ماند چون دو سه هفته پیش ایشان مجدداً از بنده دعوت کرد که چه شوقی در دلم زنده شده بود برای این رؤیت دوباره و این شرفیابی و این‌ها که دیگر این اتفاق افتاد.

در انقلاب اسلامی داشتیم به خوبی توانست شهدگیری کند. ایشان الگوها را به بهترین شکل دریافت کرد و البته توسعه داد.

سازماندهی مستحکم تشکیلات حزب‌الله

سید حسن در بافت حزب‌الله نیروها را سازماندهی کرد، مستحکم کرد. تشکیلات حزب‌الله دیدنی است. امروز شما می‌بینید بعد از این ضربه‌های بزرگی که وارد می‌کنند، عزیز رهبرمان می‌گوید سازمان حزب‌الله آسیب جدی نمی‌بیند. کوچک‌ترین این ضربه‌ها ده‌ها حزب را متلاشی می‌کند. آقا فرمودند این هست، بلکه با شهادت او مستحکم‌تر خواهد شد. سازه‌های سیاسی‌اش را هم فوق‌العاده چیده بود. سید

پیشاهنگی‌شان دیدنی است. از بچه‌ها، نونهال‌ها سازماندهی کرد و این‌ها یکی پس از دیگری به میدان آمدند. یکی از آنها هم آن دسته گل خودش سید هادی عزیزش بود. این مقوله این قدر پرجاذبه است. سازوکار تربیتی که ایشان در حزب‌الله حقیقتاً با دقت دنبال کرد؛ البته من متوجه شدم این منهج منهجی بود که شهید چمران در محیط شخصیت امام موسی صدر در لبنان پایه‌ریزی کرد، رضوان خدا بر شهید چمران. این کار مدرسه‌داری، کاری که ما اکنون در اتحادیه داریم، این نگاه عمیق را سید داشت و این را گسترش داد، تثبیت کرد، برای آن چرخه درست کرد. سازه‌های فکری و اعتقادی حزب‌الله را، چنان محکم و تمیز چیده است که دیدنی است. از تجاربی که ما

حسن هرگز اجازه نداد حزب‌الله وارد بازی‌های قدرت در لبنان بشود که اگر شده بود زمین می‌خورد و فرومی‌پاشید، اصلاً اجازه نداد، ماند با این که برای ورود به دولت دعوت شد. در آن داستان‌های لبنان که خیلی هم پیچیده است، مکرر دعوت می‌کردند که شما بیایید در کابینه در مجلس سهم داشته باشید. حریم خودش را صیانت کرد گفت ما یک گروه مقاومت هستیم برای حفظ کیان مردم لبنان در برابر رژیم صهیونیستی. خودش را این چنین نگه داشت و این نگاه عمیق حزب‌الله را از یک گروه مقاومت تبدیل کرد به بزرگترین سازمان مقاومت اسلامی امروز در جهان. این کاری بود که سید حسن کرد. بعد ساختار نظامی حزب‌الله، ماشاءالله. عالی‌ترین فرآورده‌های

جمهوری اسلامی ایران در دفاع مقدس را، سید آن جا به کار گرفت. عالی‌ترینش را به کار گرفت. از دفاع مقدس ما شهدچشی کرد. یک ساختار نظامی چیده که دیدنی هستند این بچه‌ها. هر گروه بعدی می‌آیند قوی‌تر از گروه قبلی هستند. سازمان، رزم‌شان، هوشمندی‌شان، پیشرفته بودن‌شان. اخیراً وقتی که سیدحسن یک گوشه‌ای از تونل‌های موشکی را رونمایی کرد، این‌ها تازه فهمیدند چه خبر است. زیر چشم رژیم صهیونیستی و زیر نگاه دشمن این اتفاقات افتاده است. ماجرا این است. سید حسن شخصیت خیلی بزرگی است. خیلی بزرگتر از آن که شما فکرش را می‌کنید. این حاصل دستگاه تربیت علوی است. از آن، این به دست می‌آید.

سیدحسن نصرالله ذوب در ولایت بود

الله از جمله فرماندهان‌شان، مربی‌های ارشدشان با این طلبه کمترین دیدنی بود. که فقط این ممثل القائد، نماینده آقا است. گفتم خدایا این‌ها چگونه تربیت شدند. ما دوباره باید با چشم‌های سیدحسن ولایت فقیه و ولی فقیه را بینیم. اصلاً عالمی داشت. هم با موضوع ولایت فقیه هم با شخص ولی، اصلاً عالمی داشت. این قرائت سیدحسن که شما یک جلوه‌اش را در این قطعه سخنرانی ایشان دیدید که آن سخنان ظهیر با امام حسین (علیه‌الصلوة والسلام) را می‌گوید خطاب به آقا؛ که اگر هزار بار ما کشته بشویم و ما را آتش بزنند و خاکستر ما را به باد بدهند «ما ترکناک یابن الحسین».

اگر می‌خواهید قدر آقای جهان اسلام، امام مسلمین، قدر

برادرهای عزیزم، خواهرهای گرامی، سید حسن (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) به معنای فنی و دقیق کلمه ذوب در ولایت بود. خیلی از بزرگان ما از مکتب سید حسن دوباره درس ولایت فقیه را فرا گرفتند. من اشاره کردم آن بیست و چند سال پیش که وقتی من به آن محیط وارد شدم، خب بچه‌های حزب‌الله همین‌طور اطراف ما می‌گشتند. یکی از آقایان گروه که همراه ما بود در پاسخ به سؤال بعضی‌ها که راجع به بنده پرسیده بودند ایشان کی هستند؟ فقط یک کلمه، گفته بود ممثل القائد. گفت ایشان نماینده حضرت آقا است. همین یک اشاره کرده بود. بعد از آن، رفتارهای بچه‌های حزب

«وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» چه کرده بود با این وجود نازنین. آن حالت جهاد و سینه به سینه‌ی شقی‌ترین اشقیاء زمان، صهیونیسم جهان، جنایتکار، این باند تبه‌کار و بعد می‌بینید که این‌ها چه کسانی هستند، سید درست خط مقدم، خط اول در رویارویی با این‌ها بود و در حفاظت از آرمان فلسطین که حجت شد برای وحدت شیعه و سنی. و کار رهبری رهبر عزیزمان به وسیله این سید عالی‌قدر، در منطقه مقاومت چقدر آسان انجام شد. جبهه مقاومت از او جهت می‌گرفتند، الهام می‌گرفتند، در کشورهای مختلف، در جاهای مختلف، به خصوص در منطقه مقاومت. این سید حسن است.

عزیز رهبرمان را می‌خواهید بدانید با سید حسن دوباره آقا را بشناسید. چنان که من قبلاً می‌گفتم با حاج قاسم دوباره آقا را ببینید. جمال ولایت را با چشم‌های سیدحسن می‌شود دید که بیش از سی سال در دهانه آتش‌فشان زندگی کرد نه در دامنه آتش‌فشان، چیزی دارم می‌گویم چیزی دارید می‌شنوید. گفتم خصوصیت جهاد است. در دهانه آتش‌فشان سیدحسن زندگی کرد. هر روز غسل شهادت، هر روز منتظر الشهاده، هر روز، هر لحظه، هر ساعت. سید این‌گونه لحظه لحظه بزرگ می‌شود و شخصیت او صیقل می‌خورد.

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَتَلَ نَجْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَتَتَبَرُ...»^۶ این انتظار شهادت

مراقب تحلیل‌های علیل و بیمار باشید

این است و بعد پیامی که برای سید دادند، می‌دانید یکی قبل از ظهر بود و پیام بعدی بعد از ظهر، بعد از خبر شهادت بود. این‌ها را ببینید، راه این است. بچه‌های حزب‌الله به گونه‌ای تربیت شده بودند که نیاز به مصرحات امام مسلمین نداشتند. بعضی از دوستانی که در جلسه هستند یادشان است، خواهش می‌کنم این آخرین جمله من را دریافت کنید. همه عزیزان مخصوصاً بچه‌های اتحادیه، مربی‌هایمان، دوستان‌مان، دانش‌آموزان‌مان حواس‌شان باشد، یک جمعی از سرشاخه‌های تربیتی حزب‌الله تشریف آورده بودند تهران، قراری با بنده گذاشتند، در برنامه‌شان بود. آن وقت در همین کنار دفتر رهبری در امور مساجد تشریف آوردند آن‌جا. جمعی از آقایان بودند، یک

من یک جمله‌ای را هفته پیش این‌جا گفتم دوباره تأکید می‌کنم، مراقب تحلیل‌های علیل و بیمار باشید. آدم‌های کم‌ظرفیت، آدم‌های واداده، آدم‌های ضعیف‌الایمان، آدم‌های ضعیف‌النفس، متأسفانه بعضی‌هایشان صاحب قلم هستند. قلم‌های زهراگین، متأسفانه آدم‌هایی هم از این‌ها می‌شنوند، آن‌ها دیگر چقدر ضعیف هستند. مواظب این‌ها باشید. در محیط بچه‌های حزب‌اللهی و مؤمن مراقب تحلیل‌های ضعیف باشید که در آن خودتحقیری است، متأسفانه در آن احساس ورشکستی و احساس شکست است. خواهش می‌کنم پیام اول آقا را به حزب‌الله ببینید، خواهش مؤکد است، دیدگاه

پا شد گفت آقای فلانی ما در پرتو تربیت جناب نصرالله مدت‌ها است از این مرحله که شما گفتید گذشتیم. خیلی من شرمنده شدم. گفت آقا مدت‌ها است از این مرحله گذشتیم. در هر بخشی از دیدگاه‌های امام مسلمین بخواهید ما آماده پاسخگویی هستیم، این‌ها متن درسی ما است. ما از شما توقع دیگری داشتیم، سید به ما آموخته شما در صدد کشف منویات امام باشید نه مصراحت ایشان. این که گفتند و فرمودند که فرمودند، عمیق‌تر نگاه کنیم، منویات ایشان چیست، ناگفته‌های ایشان چیست، شما از آن‌ها حرفی داری به ما بگویی؟ و بعد وقتی همان جمع یک لحظه یکی‌شان یادآوری کرد گفت ما ظاهراً این جایی که الان نشستیم مثلاً صد متری و هفتاد متری

تعدادی هم از خانم‌ها آمده بودند. بعد که صحبت کردیم، گفتیم و شنیدیم، یکی از این‌ها از من سؤال کرد، سؤالش این بود؛ پرسید که به نظر شما الان ما در ادامه مسیر فعالیت‌های حزب‌الله چه کار باید بکنیم؟ بنده آن جا یک جمله‌ای گفتم که بعد خیلی پشیمان شدم. من این عزیزان را توصیه کردم چون می‌دانستم در دستور کار بچه‌های حزب‌الله متن بیانات امام مسلمین به صورت جاری مورد مطالعه و تدریس و مباحثه قرار می‌گیرد. من همان را تأکید کردم. گفتم خب همین منظومه فکری امام مسلمین کمتر شناخته شده است. حالا پیش خودم داشتم مثلاً به این‌ها رهنمود می‌دادم. می‌دانید به من چی جواب دادند؛ به نظرم یکی از خانم‌ها بود. دست بلند کرد

وارد خواهد؛ ان شاء الله به فضل الهی و به عنایت حق. سید حسن (رضوان الله تعالی علیه) ولی‌شناسی را وارد یک مرحله جدیدی کرد. درود خداوند بر او. ان شاء الله مشمول همین آیه شریفه است «فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَ ادْخُلِي جَنَّتِي»^۷. مواظب باشید گرفتار تحلیل‌های کج و معوج نشوید، خودتان را فقط با امام هماهنگ کنید. با اشاره او، با تصریح او، با مبانی او هماهنگ باشید، دنیا و آخرت شما آباد است. این شهادت خیلی شهادت بزرگی بود. سید خیلی محبوب بود در دل‌های ما، به خاطر همین شرحی که گفتیم و چیزی که گفت، حرف‌هایی که گفته نشد. خیلی دل‌ها در دنیای اسلام شکست، در دنیای شیعه، در کشور ما، آیات ۲۹ و ۳۰ سوره مبارکه فجر

اقامتگاه قلب تپنده جهان اسلام عزیز رهبرمان، نایب امام زمان هستیم. تا او اشاره کرد جلسه منقلب شد، اصلاً از دست رفت. این بچه‌ها از این احساس که ما جایی هستیم که چند متری عزیز رهبرمان هستیم می‌باریدند. خلاصه عقب نمائیم. جمله‌ای که می‌خواستیم بگوییم این است.

مکتب سیدحسن ادامه دارد

آقا فرمودند سیدحسن یک مکتب است. و مکتب ادامه دارد، این راه ادامه دارد. از این به بعد با شهادت او مستحکم‌تر است و ضربات جبهه مقاومت و ضربات حزب‌الله و درخشش آن، ان شاء الله خواهید دید کوبنده‌تر و جدی‌تر بر این پیکره آسیب دیده، ورشکسته و ترمیم‌ناپذیر رژیم صهیونیستی

به آقا رسید چه حالی داشتند. اباعبدالله (علیه‌السلام) یک جمله گفت؛ گفت «اخواه ادرک اخاک». انگار نه انگار همان چند لحظه پیش که می‌خواست برود امام (علیه‌السلام) فرمود عباس جان تو نباید بروی، اگر بروی لشگر من می‌پاشد. فرمود نه، تو برو آب بیاور، مأموریت عوض شد، با حالت دفاعی رفته بود. حالا چه خبری از میدان برای امام حسین (علیه‌السلام) رسید؟ چگونه خودش را رسانده نمی‌دانم، اما مقاتل نوشتند وقتی رسید دست گرفت به کمر «الان انکسر ظهری و قلت حیلتی». وقتی اباعبدالله (علیه‌السلام) آمد به سمت خیمه، وقتی اهل حرم وضعیت امام (علیه‌السلام) را دیدند، زینب (سلام‌الله‌علیها) یک کاری کرد که دل دوستان‌شان تا قیامت پریشان این جمله

در محیط مقاومت. سید یک پشتوانه‌ای بود. ان شاءالله سید دیگری از راه می‌رسد، پرچم را با هدایت امام برمی‌دارد، ان شاءالله با پشتیبانی‌اش این راه قوی‌تر ادامه پیدا می‌کند. اما خب خیلی دل‌ها شکست. این روزها دل‌ها هوس روزه دارد...

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا
أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَی الْأَزْوَاجِ
الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ.»

این «لیک یا حسین» آموزه سیدحسن بود. این مرام حسینی، مکتب عاشورایی را چقدر خوب عینیت بخشید.

وقتی شهادت سید حسن مطرح شد، یک دفعه دلم رفت سمت ماجرای حضرت عباس (علیه‌السلام)، چون به معنای واقعی برای آقا پرچمدار بود، پرچمدار برجسته بود. من نمی‌دانم وقتی خبر

را از ما راضی بفرما. قسمت می‌دهیم به حق محمد و آل محمد موانع ظهور مرتفع بفرما. ما را جزء مقدمه‌سازان ظهور قرار بده، ما را جزء شهیدان راه ظهور قرار بده. ما را با شهادت به این جمع پرافتخار ملحق بفرما. توفیق قدردانی وجود نازنین عزیز رهبران را به ما کرامت بفرما. سایه عزیز رهبران بر سر ما مستدام بدار. قسمت می‌دهیم به حق محمد و آل محمد کید دشمنان، مکر دشمنان را به خودشان برگردان. هزیمت و شکست و خفت و خواری و رسوایی و در هم شکستگی را بیش از این بر جبهه استکبار جهانی، باند تبهکار صهونیسیم نازل بفرما. نصرت، پیروزی، موفقیت، فتح، ظفر و ایستادگی و مقاومت و صبر را بیش از این بر جبهه مقاومت، عزیزان‌مان در غزه،

زینب است. فرمود «وا ضیعتاه» یعنی امان از اسیری...

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ
 وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ
 بِفَنَائِكَ عَلَیْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ
 أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ
 وَالنَّهَارُ وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ
 الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ السَّلَامُ
 عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيٍّ
 بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَوْلَادِ
 الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ
 الْحُسَيْنِ» ورحمة الله و برکاته.

«نسألك الله و ندعوك باسم
 العظيم الاعظم الاعز الاجل
 الاكرم الهنا بدم المظلوم
 بدم الحسين يا الله.... يا
 الله يا رحمان يا رحيم، يا
 مقلوب القلوب ثبت قلوبنا
 على دينك و اكفنا يا قاضي
 الحاجات و يا كافي المهمات
 إنك على كل شيء قدير.»

پروردگارا قلب مقدس ولیات

محشور بفرما. پروردگارا به جانبازان ما، بازماندگان شهداء صبر و اجر کرامت بفرما. عزیز رهبرمان تا ظهور امام زمان و در کنار حضرت برای ما حفظ بفرما. ارواح مطهر شهداء، گذشتگانمان، سید حسن نصرالله عزیزمان را به صلوات و فاتحه‌ای شاد بفرمایید. «و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته».

در فلسطین، در لبنان، حزب الله عزیز، در یمن قهرمان، در عراق، در سوریه، در آفاق امت اسلامی، پروردگارا نازل بفرما. قسمت می‌دهیم به حقیقت محمد و آل محمد آن به آن بر درجات روح مطهر امام راحل عظیم الشان مؤسس ما و همه شهدای بزرگ عزیز ما حاج قاسم عزیز ما و این شهید بزرگ و عزیز و پرافتخار، سید حسن نصرالله عزیز ما بیافزا. حشرشان را با سید و سالار شهیدان قرار بده، راهشان را در بین ما پُر رهرو قرار بده. بر درخشش روزافزون حزب الله لبنان بیافزا. قسمت می‌دهیم به حق محمد و آل محمد ارواح مطهر شهدای ما، ارواح گذشتگان، کسانی که در مسیر مقاومت بودند، آرزوی شهادت داشتند، از این دنیا سفر کردند، با سید و سالار شهیدان



افق‌ها؛ درنگی بر مسئله‌تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir © سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰
(۶ ماه اول سال)



تهران، خیابان سرچشمه
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر